

بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان

افسانه افروزم‌نش*

حمیدرضا شمسائی**

چکیده

در حال حاضر آموزش نیروی انسانی ماهر و کارآمد در تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی دارد. پژوهش حاضر بر آن است تا تصویری از وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان با توجه به میزان اشتغال آنان ارائه کند. همچنین، عواملی که در عدم اشتغال مهارت‌آموختگان نقش دارند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هدف اصلی تحقیق بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی مهارت‌آموختگان مراکز ثابت آموزشی استان خراسان رضوی در ۹ ماهه سال ۱۳۹۰ است که در مجموع ۹۹۸۴ نفر را در بر می‌گیرد. برای آزمون آماری پرسش‌های تحقیق از معادله رگرسیون و همچنین از آزمون دو جمله‌ای استفاده شده است. نتیجه حاصل از آزمون پرسش اول، فرضیه اصلی تحقیق را با عنوان «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان تأثیرگذار است» اثبات می‌کند. از عواملی که منجر به عدم اشتغال مهارت‌آموختگان شده است (کمبود فرصت شغلی، پایین بودن دستمزد، ضعف آموزش مهارتی، عدم رغبت به شغل پیشنهادی و عدم سرمایه کافی) کمبود فرصت شغلی نقش بیشتری داشته است.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اشتغال، نیروی انسانی ماهر، فرصت شغلی

مقدمه

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر موردنیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند. از سوی دیگر، این آموزش‌ها با توأم کردن آموزش‌های نظری و عملی این امکان را برای آموزش‌دیده فراهم می‌کنند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی فراهم شود.

ظهور پدیده بیکاری تحصیل‌کرده‌ها در اکثر کشورهای در حال توسعه، گسترش کمی و کیفی نظام آموزشی را زیر سؤال می‌برد. به طوری که چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، مشکل می‌توان آن را بر حسب تخصیص بهینه منابع توجیه کرد. با فزونی عرضه بر تقاضای آموزش‌دیدگان، آنها مجبورند مشاغلی را بپذیرند که سطوح تحصیلی پایین‌تری را طلب می‌کنند. به این ترتیب، مدرک شرط به دست آوردن شغل می‌شود و نه مهارت و آموزشی که فرد کسب کرده است. ایران نیز از این موضوع مستثنی نبوده و به همین دلیل بیکاری دانش‌آموختگان در ایران در چارچوب بیکاری ساختاری تحلیل می‌گردد (بیابانی، ۱۳۷۹).

در همین جهت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به سبب انعطاف‌پذیری نشئت‌گرفته از خصیصه‌های بازار کار و اوضاع اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور و نیز به دلیل آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم در افراد برای توانایی در احراز مشاغل، نقش بسزایی در اشتغال دارد. بسیاری از افراد، فاقد مهارت‌های مورد نیاز بازار کار هستند. تحصیلات زمانی منجر به افزایش کارایی افراد می‌شود که ضمن توجه به مباحث نظری، جنبه‌های کاربردی آموزش نیز در نظر گرفته شود. رعایت این جنبه، زمانی تحقق می‌یابد که بین سطوح مختلف تحصیلی هماهنگی و تناسب لازم وجود داشته باشد. نبود این ارتباط باعث می‌شود تا دانش‌آموختگان به دلیل فقدان مهارت نتوانند در محیط کار کارایی مناسبی داشته باشند (نفیسی، ۱۳۷۹).

به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و صنعتی کشور، توسعه منابع انسانی باید سرلوحه برنامه‌ریزی‌های کیفی سازمان باشد. لازم به ذکر است که توسعه منابع انسانی تنها با آموزش‌های تخصصی و فنی حاصل نمی‌شود بلکه باید از طریق نظام آموزش

جامع به پرورش نیروی انسانی پرداخت یعنی افراد باید در ابعاد مختلف پرورش یابند (فرهادیان، ۱۳۸۴).

بی‌تردید دنیا در انقلابی اطلاعاتی و الکترونیکی است که شیوه‌های نوین زیستن و کار کردن را بشارت می‌دهد و این به نوبه خود نیازهای جدیدی را در نظام آموزشی پدید می‌آورد. این انقلاب بر سر سازمان و ساختار جامعه عمیقاً تأثیر می‌گذارد. اما سرعت پذیرش تکنولوژی‌های جدید تا حدود زیادی به آموزش و سطح مهارت نیروی کار بستگی دارد. تقاضاهای جدید از آموزش و پرورش، تغییر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و ضرورت‌های فنی را می‌طلبد. آموزش به‌طور کلی ایجاد تغییر در رفتار فرد است اما اجرای برنامه‌های آموزشی علاوه بر تغییرات مثبت رفتاری مزایای دیگری از جمله افزایش بهره‌وری و کارایی تحرک اجتماعی، پیشرفت شغلی، گسترش خلاقیت و نوآوری را در پی خواهد داشت. بنابراین، جوامع پیشرفته امروزی با آموزش نیروی انسانی در تخصص‌ها و رشته‌های مختلف و جذب این نیروها در بازار کار سعی در پیشبرد همه جانبه امور دارند (محمدی، ۱۳۸۲).

از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی است و آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است، مزیت سرمایه دوم این است که به اتکای مهارت‌های کسب‌شده، دارندگان آن را برای به‌دست آوردن جایگاه‌های شغلی، بیشتر آماده می‌سازد و همین بیش باعث گردیده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در سیستم‌های تعلیم و تربیت آنها از دیرباز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز موردنظر واقع شوند (بکر، ۱۹۶۴). مطالعات انجام‌گرفته در ۴۰ سال گذشته این واقعیت را نشان داده‌اند که هم جنبه‌های وراثتی و هم وجود فرصت‌های فراهم‌آمده در محیط، در پرورش افراد کارآفرین مؤثر بوده‌اند (ام‌هارپر، ۱۹۸۳). شواهد حاکی از آن است که مداخله‌های نظام‌مند از طریق برنامه‌های آموزش و توسعه، آن هم با شناخت گروه‌های هدف و نیاز بازار کار، در شکل‌دهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثربخشی بالایی را به همراه داشته است. با این توضیح که نیازها ایستا نیستند و تغییر در شرایط محیط نیازهای آموزشی جدیدی را طلب می‌کند (گیب، ۱۹۹۱).

بر اساس یک مطالعه انجام‌شده در کشور آمریکا، ۸۳ درصد از نمونه مورد پرسش متفق‌القول بودند که مدارس بایستی در مورد آمادگی کاری تعلیم‌گیرندگان بیشتر تأکید ورزند. در پاسخ به سؤال دیگری در مورد جایگاه و عملکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۷۶ درصد بر این باور بودند که باید به این آموزش‌ها توجه بیشتری شود.

۹۰ درصد آنان قبول داشتند که آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای شانس دریافت‌های مالی بالاتری را نسبت به آموزش‌های عمومی خواهند داشت، ۹۲ درصد موافق بودند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاقه افراد را به ادامه تحصیل در مراتب بالای حرفه‌ای ارتقا می‌بخشند، ۹۸ درصد آموزش‌های استاد-شاگردی و کار آموزی در محیط‌های کاری را برای فراگیران ضروری دانسته و فقط ۴ درصد از آنها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را فاقد جایگاه شغلی بالا منظور نموده بودند (و، سی، اچ، ۱۹۹۷).

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت رسمی و غیر رسمی در قالب آموزش‌های قبل از اشتغال و حین اشتغال در بیشتر کشورها وجود دارند و حتی در برخی از کشورها صاحبان صنایع و کارفرمایان نیز برای انجام برخی آموزش‌های مهارتی ملزم می‌شوند. به عنوان مثال، در کشور هندوستان مؤسسات آموزش صنعتی از ۵۹ واحد در سال ۱۹۵۶ به ۲۴۴۷ واحد در سال ۱۹۹۲ و ۳۰۰۰ واحد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته‌اند. این مراکز با اجرای برنامه‌های آموزشی در یک چارچوب زمانی ۱ تا ۲ ساله از نقش بالایی در تربیت صنعت‌گران برخوردار بوده‌اند (داش، ۲۰۰۲).

مالزی نیز از جمله کشورهایی است که توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کنار برنامه‌های متنوع را در دستور کار خود قرار داده است و در این خصوص تنها به منابع داخلی بسنده نکرده، بلکه برای انتقال تکنولوژی به بخش صنعت، مؤسسات آموزشی فنی و حرفه‌ای مشترکی را با سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان در آن کشورها تأسیس نموده است.

در پاسخ به این سؤال که چرا برخی از کشورها به ویژه در سطح کشورهای آسیایی در اجرای برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای موفق و برخی ناموفق بوده‌اند، می‌توان گفت که این پدیده به عوامل متعددی ارتباط داشته است (هک و هک، ۱۹۹۸). از جمله این عوامل عبارت‌اند از:

عوامل اجتماعی: در بسیاری از کشورهای آسیایی نوعی نگرش منفی به کارهای مبتنی بر مهارت یا اصطلاحاً کارهای یدی که مبتنی بر دستورالعمل است، وجود دارد.

عوامل اقتصادی: سطح توسعه اقتصادی و ساختار صنعت و تنوع فعالیت‌ها در بخش‌های گوناگون اقتصادی در ایجاد نیاز به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. توجه به آموزش‌های آماده‌سازی جوانان برای کار از جمله خواسته‌ها و الزامات در بیشتر کشورها حتی در کشورهای توسعه‌یافته است.

دولت: از آنجا که آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های عمومی پرهزینه‌تر است، دولت‌ها از نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه این آموزش‌ها برخوردارند. این بدان معنی است که دولت‌ها می‌بایست در تخصیص منابع مالی توجه ویژه‌ای را به این آموزش‌ها معمول دارند؛ چراکه سرمایه‌گذاری نامناسب منتج به بازده نامناسب نخواهد شد. پر واضح است که توفیق در کسب دستاوردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با اتکاء به ادبیات موجود در گرو تعامل عوامل و متغیرهای بسیار زیادی است که حاصل آن سرمایه انسانی کارآفرین می‌باشد.

نتایج تحقیقی در استان آذربایجان نشان می‌دهد که بازار کار برای دختران آموزش‌دیده در مقایسه با پسران کمتر است و همچنین میان رشته‌های آموزشی فارغ‌التحصیلان و نوع شغلی که اختیار کرده‌اند، تناسبی وجود ندارد. نتایج تحقیق دیگری در استان سمنان نیز نشان می‌دهد که تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای تکافوی نیاز استان را نمی‌کند و از سوی دیگر آموزش‌دیدگان مطابق با رشته آموزشی خود به کار مشغول نمی‌شوند. نتایج تحقیق ایزدی در زمینه وضعیت اشتغال آموزش‌دیدگان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای در استان مازندران نشان می‌دهد که در این استان نیز مسئله اشتغال آموزش‌دیدگان از یک سو و ناچیز بودن میزان اشتغال زنان از سوی دیگر، از جمله مشکلات اساسی محسوب می‌شوند (ایزدی، ۱۳۷۹).

روش پژوهش

این تحقیق با توجه به هدف تحقیق در دسته تحقیقات کاربردی، با توجه به کنترل متغیرها از جمله تحقیقات غیرآزمایشی و با توجه به روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع زمینه‌یابی محسوب می‌شود. روش‌شناسی تحقیق نیز از نوع پس‌رویدادی است. زیرا از اطلاعات واقعی گذشته استفاده شده است. پرسش‌های تحقیق به این شرح است: ۱. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان تأثیر دارد؟ ۲. از عواملی که منجر به عدم اشتغال مهارت‌آموختگان شده است (کمبود فرصت شغلی، پایین بودن دستمزد، ضعف آموزش مهارتی، عدم رغبت به شغل پیشنهادی و عدم سرمایه کافی) کدام عامل نقش بیشتری داشته است؟ جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی

۱. کشور ژاپن از جمله کشورهایی است که در آن دولت در ارتقاء آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌طور بسیار فعالی عمل می‌کند و این در حالی است که در این کشور بخش خصوصی نیز فعال است ولی بدون کمک دولت امکان توسعه و تسری این آموزش‌ها ممکن نیست.

مهارت‌آموختگان مراکز ثابت آموزشی استان خراسان رضوی در ۹ ماهه سال ۱۳۹۰ است که در مجموع ۹۹۸۴ نفر را در بر می‌گیرد. از بین تمامی مهارت‌آموختگان، کارآموزانی که در آزمون نهایی قبول شده‌اند ۷۵۵۵ نفر بودند که تعداد ۷۷۰ نفر از آنان به دلیل اینکه قبل از گذراندن دوره‌های آموزشی سازمان شاغل بوده و پس از آن نیز در همان شغل باقی ماندند و همچنین تعداد ۲۹۵۱ نفر از غیرکارجویان شامل دانشجویان، دانش‌آموزان، سربازان، خانم‌های خانه‌دار و افرادی که تمایل به کار نداشتند، از نمونه آماری حذف شده و نمونه آماری به تعداد ۳۸۳۴ نفر تقلیل یافت. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهایی چون مطالعه کتاب‌های موجود و مطالعه اسناد مکتوب و موجود در اداره کل و فایل‌های رهگیری وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان که هر سه ماه یکبار توسط مراکز ثابت آموزشی گردآوری می‌شود، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس دو روش آماری توصیفی و استنباطی می‌باشد. برای آزمون آماری فرضیه تحقیق با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel، در ابتدا از تحلیل ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود و پس از محاسبه ضریب همبستگی، در مورد وجود یا عدم وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مستقل و وابسته (آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی) اظهار نظر می‌شود. پس از آن از معادله رگرسیون، استفاده شده و با استفاده از رگرسیون و ضرایب تعیین به دست آمده (R^2) و با توجه به اطلاعات خروجی از نرم‌افزار SPSS، اظهار نظر می‌شود.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی نتایج

نتایج به دست آمده حاصل از آمار توصیفی بیانگر آن است که ۵۰ درصد از افراد آموزش‌دیده جویای کار توانسته‌اند شغلی متناسب با آموزش خود به دست آورند. ۱۱ درصد کارآموزان قبلاً شاغل بوده‌اند و ۳۹ درصد کارآموزان جویای کار نبوده‌اند. توجه به جدول فراوانی نشان می‌دهد که ۴۸/۱ درصد از مهارت‌آموختگان جویای کار معتقد بوده‌اند که کمبود فرصت شغلی از مهم‌ترین عوامل عدم اشتغال آنان است، ۱۲ درصد پایین بودن دستمزد را عنوان کرده‌اند، ۴/۱ درصد ضعف آموزش مهارتی، ۹/۲ درصد عدم رغبت به شغل پیشنهادی را در راستای عدم اشتغال خود مؤثر

۶۱ **بررسی تأثیر آموزش های فنی و حرفه ای ...**
دانشته اند و ۲۶/۳ درصد عدم سرمایه کافی را به عنوان عامل عدم اشتغال معرفی کرده اند.

همچنین، نتایج نشان می دهد که حرفه های ابزار دقیق کار، طراحی لباس زنانه و دخترانه، تراشکار درجه ۱، رنگ کار چوب درجه ۲، سرویس و نگهداری خودرو و درودگر درجه ۱ به ترتیب با ۰/۸۸، ۰/۸۸، ۰/۸۲، ۰/۸۲، ۰/۷۸ و ۰/۷۲ بیشترین تأثیر را در جذب افراد در بازار کار مرتبط با حرفه داشته اند.

ب) یافته های استنباطی

با توجه به پرسش اول پژوهش برای تعیین رابطه بین کارآموزانی که به قصد کار وارد فنی و حرفه ای شده اند و اشتغال یافتگان مرتبط با دوره آموزشی از رگرسیون خطی ساده استفاده شد.

از برازش مدل رگرسیونی
که در آن:

$Y =$ اشتغال یافتگان مرتبط با دوره آموزشی

$X =$ تعداد کارآموزانی که به قصد کار وارد فنی و حرفه ای شده

نتایج زیر به دست آمده است:

جدول (۱) آماره های رگرسیون

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	خطای استاندارد برآورد
۰/۹۹۹	۰/۹۹۸	۵/۷۷

همان طور که ملاحظه می کنید ضریب همبستگی، همبستگی قوی را بین دو متغیر نشان می دهد. ضریب تعیین مدل برابر با ۰/۹۹۸ و بدین معنی است که حدود ۹۹/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (اشتغال یافتگان مرتبط با دوره آموزشی) به وسیله متغیرهای مستقل (تعداد کارآموزانی که به قصد کار وارد فنی و حرفه ای شده اند) قابل توصیف است.

همچنین، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون ($sig=0$) در جدول آنالیز واریانس کمتر از ۰/۰۱ شده است، می توان با اطمینان ۹۹ درصد نتیجه گرفت مدل برازش داده مدل خوبی است.

جدول (۲) آنالیز واریانس

sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
		۳۷۱۴۸۷۰/۳۸۷	۱	۳۷۱۴۸۷۰	مدل
۰	۱۱۱۳۱۰	۳۳/۳۷۴	۱۸۷	۶۲۷۴/۳۲۸	خطا
			۱۸۹	۳۷۲۱۱۴۵	کل

همچنین، جدول ضرایب مدل برازش داده شده به صورت زیر به دست آمده است:

جدول (۳) برآورد ضرایب

P-VALUE	T- VALUE	برآورد	
۰/۹۸۴	-۰/۰۲	-۰/۰۰۸۶	ثابت
۰	۳۳۳/۶۳۲	۰/۵۰۵	قبول شدگان نهایی

با توجه به جدول ضرایب مدل برازش داده شده به صورت زیر به دست می آید:

$$Y = ۰/۵۰۵ * X$$

که در آن:

$Y =$ اشتغال یافتگان مرتبط با دوره آموزشی

$X =$ تعداد کارآموزانی که به قصد کار وارد فنی و حرفه‌ای شده

نتیجه حاصل از آزمون پرسش اول، فرضیه اصلی تحقیق را با عنوان «آموزش‌های

فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان تأثیرگذار است» اثبات می‌کند.

برای پاسخ به پرسش دوم و مقایسه عواملی که باعث می‌شود کارآموزانی که به

قصد کار وارد فنی و حرفه‌ای شده‌اند، مشغول به کار نشوند از آزمون دو جمله‌ای

استفاده شد. نتیجه آزمون دو جمله‌ای برای این عوامل به صورت زیر به دست آمده است:

جدول (۴) نتایج آزمون دوجمله‌ای پرسش دوم

گروه‌ها	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معناداری آزمون
کمبود فرصت شغلی به دلایل دیگر کل	۶۵۴ ۷۰۲ ۱۳۵۶	۰/۴۸ ۰/۵۲ ۱	۰/۵	۰/۲۰۲
پایین بودن دستمزد به دلایل دیگر کل	۱۶۶ ۱۱۹۰ ۱۳۵۶	۰/۱۲ ۰/۸۸ ۱	۰/۵	۰
ضعف آموزش مهارتی به دلایل دیگر کل	۵۷ ۱۲۹۹ ۱۳۵۶	۰/۰۴ ۰/۹۶ ۱	۰/۵	۰
عدم رغبت به شغل پیشنهادی به دلایل دیگر کل	۱۲۸ ۱۲۲۸ ۱۳۵۶	۰/۰۹ ۰/۹۱ ۱	۰/۵	۰
عدم سرمایه کافی به دلایل دیگر کل	۳۵۱ ۱۰۰۵ ۱۳۵۶	۰/۲۶ ۰/۷۴ ۱	۰/۵	۰

نتیجه آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون مربوط به عامل کمبود فرصت شغلی برابر با ۰/۲۰۲ و بزرگ‌تر از ۰/۰۵ شده است و می‌توان نتیجه گرفت با ۹۵ درصد اطمینان بین نسبت افرادی که به دلیل کمبود فرصت شغلی مشغول به کار نشده‌اند و مقدار نسبت آزمون (۰/۵) اختلاف معناداری وجود ندارد و این بدان معنی است که بیشتر افراد یعنی حدود ۴۸ درصد افراد به دلیل کمبود فرصت شغلی بعد از گذراندن دوره آموزشی مشغول به کار نشده‌اند. سطح معناداری آزمون مربوط به عامل‌های پایین بودن دستمزد، ضعف آموزش مهارتی، عدم رغبت به شغل پیشنهادی و عدم سرمایه کافی برابر با صفر و کوچکتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت بین نسبت افرادی که به دلایل فوق جذب بازار کار نشده‌اند با مقدار نسبت آزمون (۰/۵) اختلاف معناداری وجود دارد و با توجه به کمتر بودن نسبت‌های این عوامل از ۰/۵ می‌توان نتیجه گرفت این دلایل تأثیر کمتری در عدم

اشتغال کارآموزان بعد از دوره آموزشی دارند. از آنجا که نسبت افرادی که به دلیل ضعف آموزش مهارتی بعد از اتمام کارآموزی مشغول به کار نشده‌اند برابر با ۰/۰۴ است، بدان معنی است که حدود ۴ درصد افراد به این دلیل مشغول به کار نشده‌اند که خود مؤید مثبت بودن نتیجه پرسش اول است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا حد زیادی می‌توانند برای فراگیران اشتغال ایجاد کنند و در تأمین نیازهای سالانه اشتغال نیروی انسانی ماهر در مناطق مختلف استان تأثیرگذار باشند. یافته‌های پژوهش آقاجاری (۱۳۷۲)، سرخوش (۱۳۷۵)، امین بیدختی (۱۳۸۳) و سلیمی فر و مرتضوی (۱۳۸۴)، نیز همسو با یافته‌های تحقیق هستند.

نرخ بالای بیکاری در ایران و چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای که از وضعیت بازار کار و پیامدهای ناگوار اقتصادی و اجتماعی در کشور وجود دارد، لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق را می‌طلبد. در این راستا، شناخت ویژگی‌ها و میزان اشتغال ایجادشده در بخش‌های مختلف در طی سال‌های متمادی، می‌تواند دستیابی به راه‌حل‌های مناسب برای ایجاد اشتغال را فراهم سازد. دولت علاوه بر افزایش اشتغال مولد و پایدار از طریق فعال کردن اقتصاد، لازم است تا از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای حمایت گسترده‌ای نماید و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید با نیازسنجی از بازار کار، مهارت و دانش علمی مورد نیاز، وضعیت کار را ارتقاء بخشد. از آنجا که هدف اصلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد، به نظر می‌رسد یکی از روش‌های مؤثر در افزایش توفیق این مراکز در این مسیر، ارتباط تنگاتنگ آنان با بخش‌های مرتبط در جامعه است که می‌تواند از طریق انجام بازدیدها و یا عقد قراردادهایی با این بخش‌ها به منظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آنان انجام گیرد. اداره‌های کاریابی هم باید بیش از پیش فعال شوند و به نقش مورد انتظار خود عمل کنند. همچنین، ایجاد بانک اطلاع‌رسانی بازار کار در استان‌ها در زمینه وضعیت بازار کار فارغ‌التحصیلان برای شناخت فرصت‌های شغلی در سراسر کشور می‌تواند مفید واقع شود. برای فعالیت‌های بخش خصوصی نیز باید بسترهای مناسب ایجاد شود.

منابع

- امین بیدختی، ع (۱۳۸۳). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی در استان سمنان، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۶.
- ایزدی، ص و صفارحیدری، ح (۱۳۷۹). بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش‌دیده فنی و حرفه‌ای استان مازندران طی برنامه سوم توسعه، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۴.
- سرایبی، ح (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سلیمی فر، م و مرتضوی، س (۱۳۸۴). سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۷.
- عسگری، ج (۱۳۷۹). تحلیلی بر وضعیت اشتغال کشور، نشریه تعاون، شماره ۱۰۷.
- مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان رضوی، اطلاعات آموزش‌دیدگان در ۹ ماهه اول سال ۹۰.

Becker G.S,(1964), (Human Capital) , New York: *National Bureau of Economic Research*.

Dash Prasanna Kumar,(2002), (Youth in India), *Education and Training of Rural Youth, APO*.

Gibb, A, (1991), (Defining Success in Entrepreneurship Development Programms: A Guide to Model approach), *ILO, Geneva*.

Harper, M.(1983), (Selection and training for Entrepreneurship Development), *ILO, Geneva*.

Haq Mahbub & Haq Khadija,(1998), (Human Development in South Asia, Karachi), *Oxford University Press*.

VO C.H.,(1997), (Not for My Child), *Techniques 71*, No: 9, January.